کارگران همه کشورها متحد شوید!

نامهٔ مردم

ضمیمهٔ کارگری

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شمارهٔ ۷، ۷ خرداد ماه ۱۳۹۷

بیکاری میلیونی زحمتکشان، پیامد آزادسازی اقتصاد

پایمال شدن امنیت شغلی و نادیده انگاشتن حقوق سندیکایی کارگران از پیامدهای خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی است. یکی از پیامدهای ویرانگر آزادسازی اقتصاد، یا به‌عبارتی دیگر چپاول اموال ملی زیر نام خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی در محیط و روابط کار به‌هدف کسب حداکثری سود، بیکاری میلیونی زحمتکشان است. روز ۱۹ مردادماه ۱۳۹۲، وزیر کار دولت یازدهم روحانی، علی ربیعی "حل مشکلات برخی صنایع برای حفظ اشتغال موجود" را "جزو برنامه‌های صد روز" اول خود اعلام کرد. اکنون پنج سال پس از آن تاریخ و در دولت دوازدهم روحانی، خبرگزاری ایلنا، ۲۴ اردیبهشت‌ماه، می‌نویسد: "به‌گفته کارشناسان اقتصادی، تنها در دو سال گذشته، ۳۷۵ هزار کارگر نساجی بیکار شده‌اند. ... درحال‌حاضر حدود ۲۲۰ هزار نفر بیمه بیکاری دریافت می‌کنند." به‌عبارتی دیگر، نه‌تنها در صد روز اول، و یا حتی در مدت ۵ سال "مشکلات" صنایع را حل نکرده‌اند، بلکه با شدت بخشیدن به سیاست‌های ویرانگر خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی، ابعاد فاجعه را به سطح کنونی رسانده‌اند.

مطابق آمار رسمی رژیم و با شاغل محسوب کردن فردی که صرفاً "یک ساعت در هفته" کار می‌کند، نرخ بیکاری حدود ۱۲ درصد و تعداد

ادامه در صفحه ۳

جنبش کارگری و سندیکایی: چالش‌ها، وظایف، و اولویت‌ها

سیر رو به گسترش جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان میهن ما، در روزها و هفته‌های گذشته، بی‌وقفه ادامه یافت و علاوه بر ده‌ها اعتصاب، گردهمایی و تحصن در کارگاه‌ها و کارخانه‌های سراسر کشور، اعتراض در برخی از مهم‌ترین واحدهای صنعتی- تولیدی که شمار قابل‌توجه‌ای از کارگران صنعتی و فنی در آن‌ها به‌کار اشتغال دارند، دامنهٔ ژرف‌تری به‌خود گرفته است. در این زمینه می‌توان از مراکز پراهمیت و کلیدی‌ای نظیر هپکو، پلی‌اکریل، بخش‌های مختلف راه‌آهن ملی، واحدها و فازهای فعال منطقه پارس جنوبی، ماشین‌سازی تبریز، مس سرچشمه و پالایشگاه‌های ایلام و کرمانشاه نام برد. نارضایتی در این‌گونه مراکز راهبردی بخش صنعت اوج گرفته و فضایی به‌شدت ملتهب و پرتنش بر آن‌ها حاکم است. هم‌چنین به رشد اعتراضات فرهنگیان کشور به‌مثابه بخش جدایی‌ناپذیر جنبش سندیکایی موجود زحمتکشان باید اشاره کرد، اعتراض‌هایی که در هفته‌های اخیر با سرکوب و خشونت ارگان‌های امنیتی- انتظامی رژیم به آن‌ها پاسخ داده شده است. محور اصلی و عمده اعتراضات و خواست‌های مطرح‌شده در آن‌ها، پیرامون

ادامه در صفحه ۲

مخالفت فرهنگیان با خصوصی‌سازی آموزش، و یورش رژیم به تشکل‌های صنفی آنان!
آموزگاران و فرهنگیان دربند را آزاد کنید!

با خصوصی‌سازی آموزش و اجرای سیاست‌های ویرانگر به‌منظور مقررات‌زدایی و آزادسازی اقتصاد، معلمان- مانند دیگر زحمتکشان کشورمان- به‌لحاظ معیشت و امنیت شغلی در وضعیتی فاجعه‌بار به‌سر می‌برند و آموزگاران بازنشسته نیز درنتیجهٔ چپاول صندوق بازنشستگی آنان از سوی کارگزاران رژیم، در وضع معیشتی‌ای اسف‌بار زندگی می‌کنند. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، به‌مناسبت هفتهٔ معلم، بیانیه‌یی منتشر کرد و طی آن به تجمعات اعتراضی در سراسر کشور فراخوان داد. بیانیهٔ شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، "افزایش حقوق و دستمزد معلمان بازنشسته و شاغل" تا بالای "خط فقر یعنی پنج میلیون تومان"، ارائهٔ "یک بیمه کارآمد"، ایفای نقش "واقعی و جدی" معلمان در "صندوق بازنشستگی و صندوق ذخیرهٔ فرهنگیان"، پایان دادن به "سیاست‌های پولی و خصوصی‌سازی" آموزش، ارائهٔ "تغذیهٔ مناسب" در مدارس، دستیابی به حقوق راستین‌شان برای "تشکل‌یابی مستقل و آزاد"، پایان دادن به "فضای امنیتی حاکم بر فعالان صنفی"، آزادی فوری "معلمان زندانی: محمود بهشتی لنگرودی، اسماعیل عبدی و مختار اسدی"، و پایان دادن به "تبعیض نسبت به معلمان حق‌التدریسی، آزاد و مربیان پیش‌دبستانی" را خواستار شد.

در پی این فراخوان، معلمان "در ده‌ها شهرستان و مرکز استان"، ازجمله: تهران، اصفهان، شیراز، کرج، تبریز، کرمانشاه، کازرون، سقز، مریوان، و جز این‌ها، تجمع‌های اعتراضی‌ای مسالمت‌آمیز برگزار کردند. مطابق بیانیه‌یی از سوی شورای هماهنگی که پس از تجمع‌های اعتراضی انتشار یافت، تجمع معلمان تهران با "حملهٔ سازمان‌دهی شدهٔ نیروهای شخصی و امنیتی" رژیم به "آشوب" کشیده شد و "مشت و لگد و چماق همراه با کشیده شدن بر روی زمین، هدیهٔ... معلمانی بود که آمده بودند تا عدالت را درخواست کنند." در یورش "نیروهای شخصی و امنیتی" رژیم، "محمدتقی فلاحی، دبیرکل، محمد

ادامه در صفحه ۳

پیش به‌سوی سازمان‌دهیِ مبارزه منسجم و سراسریِ کارگران و زحمتکشان بر ضدِ ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوبِ حقوق صنفیِ کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و در راهِ طردِ رژیم ولایت فقیه!

ادامهٔ جنبش کارگری و سندیکایی...

تأمین امنیت شغلی، مزد عادلانه، لغو قراردادهای موقت، دریافت مزدهای معوقه و مخالفت با خصوصی‌سازی دور می‌زند.

این حرکت‌های اعتراضی، در بطن تحول‌های صحنه سیاسی کشور و چالش‌های برآمده از خروج آمریکا از برجام، و درنتیجه، باز آرایش سیاسی نیروها و جناح‌های حکومتی صورت می‌گیرند، ازاین‌روی بسیار پراهمیت قلمداد می‌شوند. بستر عینی ابراز این اعتراض‌ها و نارضایتی‌های ژرف، فقر، بیکاری و نابودی امنیت شغلی میلیون‌ها کارگر است. نوسان‌های نرخ ارز و سقوط پیوسته قدرت پول ملی همراه با رشد قیمت‌ها، فقر بیشتر را به زندگی خانوارهای کارگری کشور تحمیل کرده است. مطابق داده‌های مرکز آمار، در مدت فقط یک‌سال- یعنی از زمستان ۹۵ تا زمستان ۹۶- نرخ خرید مسکن در کلان‌شهر تهران ۳۳٫۳ درصد رشد داشته است. در همین فاصلهٔ زمانی، نرخ اجاره‌بها نیز ۲۶٫۶ درصد رشد کرده است. به‌علاوه، بهای کالاها و خدمات عمومی نیز طی ماه‌های اخیر به‌میزان ۳۵ درصد رشد داشته و گرانی فزاینده معیشت کارگران و زحمتکشان را بیش از پیش موجب شده است. با توجه به این واقعیت‌ها، جنبش اعتراضی گسترش یافته است و به‌رغم ضعف‌های خود و با وجود فراز و فرودی که طی سالیان اخیر پشت سر گذارده، تا کنون اما رشد آگاهی طبقاتی و به‌میزان قابل‌ملاحظه‌ای نیز آگاهی صنفی- سندیکایی توده‌های کارگر در سطح کارگاه‌ها و کارخانه‌ها را سبب شده است. ازاین‌روی، یکی از مهم‌ترین پیامدهای مبارزات اخیر جنبش کارگری، به‌وجود آمدن آن‌چنان فضایی در محیط‌های کارگری کشور بوده است که امکان مطرح کردن و مطالبهٔ حقوق سندیکایی را به‌طور مشخص‌تر و جدی‌تر را پدید آورده و احیای حقوق سندیکایی را به موازات خواست‌های بی‌درنگ برجسته کرده است. نکتهٔ مهم اینکه، این مبارزات زمینهٔ عینی و ذهنی پیوندی مستحکم‌تر با جنبش ضدِ استبدادی را بیشتر از پیش فراهم کرده است.

ویژگی مرحلهٔ کنونی مبارزهٔ جنبش سندیکایی زحمتکشان، تقویت این جنبش با تمرکز بر حقوق سندیکایی و احیای سندیکاهای مستقل و طبقاتی بر پایهٔ مقاوله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین‌المللی کار و منشور جهانی حقوق سندیکایی و در دل آن حرکت به سمت برقراری رابطهٔ تنگاتنگ با مبارزات جاری جنبش ضدِ استبداد مذهبی است. در این زمینه، بر رشد آگاهی طبقاتی توده‌های کارگر باید تأکید و پافشاری ویژه کرد. فضای کنونی- چه در محیط‌های کارگری که ناشی از گسترش نارضایتی‌ها و ژرفش آن است و چه در فضای عمومی کشور و تحول‌های صحنه سیاسی- امکان‌هایی پرشمار برای مبارزان هوادار منافع طبقه کارگر و سندیکالیست‌های راستین فراهم می‌آورد. در فضای کنونی، از طریق روزنه‌ها و شکاف‌هایی که به‌وجود می‌آیند می‌توان به‌سود سازمان‌دهی جنبش و تحکیم و تقویت موقعیت آن استفاده کرده و توده‌های هرچه بیشتری از کارگران و زحمتکشان را به حضور متشکل و متحد در صحنه مبارزه متقاعد کرد. در چنین فضایی طبیعی است دیدگاه‌ها و نظرات متفاوت و گوناگونی مطرح می‌شوند. به‌طور مثال، دیدگاهی معین در جنبش سندیکایی وجود دارد که ضمن تأکید بر احیا و برپایی تشکل‌های سندیکایی، به مرزبندی‌ای مشخص با فعالیت تشکل‌های زرد و زرد حکومتی قائل نیست و اصولاً به نقش رهبری فاسد تشکل‌هایی چون خانهٔ کارگر، شوراهای اسلامی کار و کانون انجمن‌های صنفی و نظایر آن نمی‌پردازد. این دیدگاه معین، جنبش اعتراضی زحمتکشان و مبارزات سندیکایی را صرفاً در قالب مقررات و قوانین این یا آن وزارتخانه تعریف می‌کند و برای آن‌ها ماهیت مستقل طبقاتی‌ای به‌مفهوم صحیح سندیکایی قائل نیست. مدافعان این دیدگاه، تفاهم و هم‌سویی با الزامات رژیم را محور قرار می‌دهند. چنین دیدگاه و نحلهٔ فکری‌ای که از حمایت مستقیم و غیرمستقیم وزارت کار و به‌ویژه علی ربیعی برخوردار بوده است- و بررغم شعارهایی گاه "تند"ش اقداماتش را با سیاست‌های کلی رژیم در عرصه اقتصادی و اجتماعی هم‌سو می‌سازد- یکی از مانع‌های رشد مبارزات سندیکایی زحمتکشان است. برخی جناح‌های حکومتی و بخش‌هایی از رهبری تشکل‌های زرد حکومتی که از این دیدگاه و نحلهٔ فکری حمایت می‌کنند، هدف نهایی‌شان، مهار مبارزات کارگری در چارچوب تنظیمات نظام (تأکید می‌کنیم: در چارچوب تنظیمات نظام) است.

جنبش سندیکایی زحمتکشان میهن‌مان، با دوری گزیدن از دیدگاه‌های ذهنی‌گرایانه‌ای که برای هم‌سو ساختن مبارزات کارگری با منافع رژیم تلاش می‌کند، مبارزهٔ خود را ادامه می‌دهد. رمز پیروزی و کامیابی جنبش زحمتکشان، حضور توده‌های کارگر در صف مبارزه است. جنبش سندیکایی، بنا به ماهیت خود، باید بتواند به وسیع‌ترین و توده‌ای‌ترین بخش جنبش کارگری تبدیل گردد که مبارزاتش به‌طورعمده معطوف به مبارزهٔ اقتصادی- رفاهی طبقهٔ کارگر و زحمتکشان است، درهمان حال، به‌هیچ‌روی ضرورت مبارزهٔ سیاسی- طبقاتی کارگران را نفی نمی‌کند. این جنبش، به‌لحاظ تماسی که با توده‌های کارگر دارد، توده‌ای‌ترین و وسیع‌ترین سازمان متشکل زحمتکشان است و آنان را، صرف‌نظر از تفاوت‌های سیاسی، عقیدتی، مذهبی، نژادی و جز این‌ها، دربر گرفته و سازمان می‌دهد. بنابراین، در جنبش سندیکایی، اصل اساسی حضور توده‌های کارگر و تشکل‌شان در آن است. مبارزات جنبش کارگری و سندیکایی میهن ما از این قاعده مستثنا نیست و نمی‌تواند باشد. ازاین‌روی، نخست افشاندن بذر آگاهی در میان کارگران و سازمان‌دهی آنان برای تحقق حقوق‌شان اولویت جنبش سندیکایی است. اعتصاب کارگران هپکو در روزهای اخیر، اَشکال مبارزاتی آنان، مثالی روشن و مشخص است که اثبات می‌کند اعتراضات تا چه حد به سازمان‌دهی نیازمند است.

مبارزهٔ جنبش سندیکایی موجود زحمتکشان، از پیکار همگانی مردم ما بر ضدِ استبداد مذهبی و مداخلهٔ امپریالیسم در امور کشورمان، جدا نیست. آنچه به حزب ما مربوط می‌شود، تأکید دوبارهٔ این وظیفه است که حزب ما تمام امکانات خود را در راه تقویت و تحکیم جنبش کارگری و سندیکایی به‌کار می‌گیرد و جای آن در کنار همه زحمتکشان و مبارزان راستین سندیکایی و هم‌سنگر با آنان است. حزب تودهٔ ایران خواهان وجود یک سازمان سندیکایی نیرومند، مستقل، مردمی و متشکل است که درهایش به روی همه کارگران و زحمتکشان یدی و فکری باز باشد.

تجربهٔ تاریخ نشان داده است که مخالفت ارتجاع حاکم با تشکل سندیکایی زحمتکشان تنها به‌منظور تضعیف و سرکوب طبقه کارگر نیست، بلکه ممانعت از استحکام و توانایی جنبش سراسری ضدِ استبدادی یکی از آماج‌های اصلی آن بوده است. یکی از جنبه‌های مهم و حیاتی تشکل صنفی- سندیکایی طبقه کارگر و زحمتکشان علاوه بر تأمین خواست‌های صنفی و رفاهی، نیاز مبرم طبقه کارگر به خواست دمکراتیک عام یعنی تأمین آزادی فعالیت انجمن‌ها، سندیکاها، احزاب و سازمان‌ها و آزادی اندیشه و قلم بوده است. این آن جنبهٔ مهم و کلیدی‌ای است که باید مدنظر قرار داد و در راستای نیل به آن به مبارزه‌یی خستگی‌ناپذیر پرداخت.

حزب تودهٔ ایران اعتقاد دارد که فقط و فقط نیروی متشکل و سازمان‌یافتهٔ توده‌ها و در رأس آن نیروی متشکل طبقه کارگر تحقق عدالت اجتماعی، حقوق و آزادی‌های دمکراتیک، و حق حاکمیت و استقلال ملی را ضمانت می‌کند.

چالش‌های پیش‌رو در مبارزهٔ طبقهٔ کارگر غلبه‌ناپذیر نیستند. شناخت صحیح از نیروی خود و از نیروی دشمن، یعنی استبداد مذهبی و امپریالیسم، شناخت صحیح از امکانات و توانایی‌ها، طرح شعارهای درست و بسیج‌کننده، تشخیص اولویت‌ها در هر مرحله و در کنار آن اتحادِ عمل فراگیر، هرگونه مانعی را برطرف می‌سازد. در این دورهٔ بسیار حساس، اتحادِ عمل، استقلال عمل طبقاتی به‌علاوهٔ شدت بخشیدن به مبارزه، از وظایف و اولویت‌های جنبش کارگری و سندیکایی‌اند.

ادامهٔ بیکاری میلیونی ...

بیکاران کشور بین ۳٫۲ تا ۳٫۵ میلیون نفر هستند. در صورتی که بر اساس گزارش ۱۰ اردیبهشت‌ماه ایلنا و بنا به‌گفتهٔ وزیر کشور رژیم، نرخ بیکاری در برخی از شهرهای کشور "۶۰ درصد" است. وزیر کار ربیعی، ۶ اردیبهشت‌ماه، در دیدار با جوادی آملی، گفت: "در حوزه فعالیت‌های اشتغال برخی دربارهٔ آمار تردید دارند و این درحالی‌است که ما در این زمینه حقیقت را می‌گوییم" در صورتی که فردای آن روز خود ربیعی گفت: "اینجا گاهی افراد تا ۱۵ سال کار پیدا نمی‌کنند." به‌جرأت می‌توان گفت که حتی سه درصد از کارگران بیکار شده نیز از مزایای حق بیمه‌ای که پرداخت کرده‌اند استفاده نمی‌کنند و این نقض عمدی حقوق انسانی زحمتکشان کارگزاران رژیم را به سطح بالاتری ارتقاء می‌دهد. ماهیت واقعی رژیم موقعی آشکارتر می‌شود که این وضعیت اسف‌بار را نیز نتیجهٔ "فقدان مهارتی" خود زحمتکشان عنوان می‌کند.

هم‌زمان با ارائهٔ آمار و سخنان ضدونقیض در سه هفتهٔ اخیر، وزارت کار در تلاش برای آماده کردن زمینه و برگزاری به‌اصطلاح "همایش هم‌اندیشی و برنامه‌ریزی تعاملی" سازمان آموزش فنی‌وحرفه‌ای کشور است تا این عقیده و نظر را به مردم جان‌به‌لب رسیده کشورمان تحمیل کند که علت بیکاری میلیونی آنان "فقدان مهارتی" خود مردم است. روحانی در اصرار به تحمیل ریاضت اقتصادی سبعانه‌تر به مردم، در روز ۹ اردیبهشت‌ماه گفت: "امروز دولت زیادی فربه شده و نمی‌تواند راه برود بلکه باید وزن کم کند" و در حکم توصیه‌یی به وزیر آموزش‌وپرورش، افزود: "شخص دیپلم می‌گیرد، لیسانسی، فوق‌لیسانسی و دکترا در رشته‌های مختلف می‌گیرد اما هیچ مهارتی یاد نگرفته است. ما باید مهارت کار را یاد دهیم." در صورتی که روحانی در همان سخنرانی و برای استفادهٔ تبلیغاتی، می‌گوید: "وظیفه دولت این نیست که مردها را مشغول کند و زن‌ها را مشغول نکند زنان ما تحصیل‌کرده‌اند کار بلد هستند و شغل می‌خواهند." در این شکی نیست که زنان کشورمان نیاز شدید به فرصت‌های شغلی دارند و بیکاری در بین زنان کشورمان بیداد می‌کند، اما بر اساس "منطق" روحانی، زنان تحصیل‌کرده "کار بلد هستند" ولی مردان تحصیل‌کرده "هیچ مهارتی یاد نگرفته"اند. روز ۱۸ اردیبهشت‌ماه وزیر کار ربیعی یکی از هدف‌های سفرش به دانمارک را اعزام نیروی کار به آن کشور عنوان کرد و گفت: "کشور دانمارک دارای کمبود نیروی کار متخصص است و علاقه‌مند به پذیرش نیروی کار متخصص است"، فردای آن روز، مدیرکل آموزش فنی‌وحرفه‌ای استان خراسان جنوبی گفت: "یکی از دغدغه‌های اصلی کشور فقدان مهارت در جوانان است." معاون وزیر کار و رییس سازمان آموزش فنی‌وحرفه‌ای کشور نیز به‌عنوان شعار "همایش هم‌اندیشی و برنامه‌ریزی تعاملی"، روز ۲۲ اردیبهشت‌ماه، گفت: "صدای چالش فقر مهارت را باید فریاد بزنیم." در یک ماه اخیر ده‌ها سخنرانی از سوی کارگزاران رژیم در رابطه با "فقر مهارت" جوانان ایراد شده است و ده‌ها مقاله در این مورد، به‌خصوص در خبرگزاری ایلنا، به‌چاپ رسیده است. برای نمونه، درحالی‌که هزاران کولبر بیکار، که بسیاری از آنان از "مهارت"هایی مختلف نیز برخوردارند، در شهرهای بانه، مریوان، سقز، و... قادر به تأمین نان شب خانوادهٔ خود نیستند؛ و به‌علت به‌اصطلاح "مبارزه با قاچاق" از سوی کارگزاران فاسد رژیم، مدت‌ها هزاران مغازه در این شهرها تعطیل بوده‌اند، فرماندار شهرستان سقز نیز برای فریب تودهٔ مردم، روز ۳۰ اردیبهشت‌ماه "توسعه آموزش‌های مهارتی" را یکی از "ضرورت‌های" جامعه عنوان می‌کند. روز ۳۱ اردیبهشت‌ماه، آیت‌الله حیدری، نماینده خوزستان در مجلس خبرگان نیز با شرکت در ترفند رژیم اعلام کرد: "در وضعیت کنونی جامعه آموزش فنی و حرفه‌ای تنها راهکار اشتغال جوانان در کشور است."

مطابق برآورد منتشرشده در خبرگزاری ایلنا، ۸ اردیبهشت‌ماه: "در طول ۲۹-۲۸ سال اخیر، بالغ بر ۱۵۰۰ میلیارد دلار واردات داشته‌ایم. با چنین مبلغی می‌شد بین ۷۵ الی ۱۵۰ میلیون شغل ایجاد کرد." چنین است نتیجهٔ سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی ضدمردمی رژیم ولایت فقیه که به نابودی تولید و امنیت شغلی زحمتکشان منجر گردیده است. با مبارزه‌ای سازمان‌یافته و متحد، می‌توان رژیم ولایت فقیه را مجبور به عقب‌نشینی کرد و به سیاست‌های اقتصادی ویرانگر در آزادسازی اقتصاد پایان داد.

ادامهٔ مخالفت فرهنگیان ...

حبیبی، عضو [هیئت‌مدیره] و رسول بداقی، بازرس کانون صنفی مجوزدار معلمان تهران، رحمان عابدینی، عضو هیئت‌مدیره کانون صنفی البرز، پس از کتک خوردن شدید به‌همراه تعدادی از همکاران‌شان روانهٔ بازداشتگاه‌ها شدند تا جای خالی چپاولگران اموال عمومی را... پر کنند." کانون صنفی معلمان تهران با انتشار بیانیهٔ دیگری، تعداد بازداشت‌شدگان در تجمع اعتراضی را ۱۵ نفر و یورش به معلمان زن را "سبعانه" خواند و تلاش زنان معلم در ممانعت از بازداشت همکاران‌شان را همچون "برگ زرین دیگری در کارنامهٔ صنفی معلمان" وصف کرد.

یکی از معلمان شاغل در مدارس بخش خصوصی و "عضو هیئت‌مدیره کانون صنفی معلمان تهران"، در گفت‌وگویی با ایلنا، ۱۷ اردیبهشت‌ماه، حقوق این معلمان را "بسیار پایین‌تر از دستمزد مصوب شورای‌عالی کار" و شرایط "شغلی معلمان آزاد" را "بسیار متغیر و آشفته" توصیف کرد. او گفت: "طبق قانون، حقوق معلمان آزاد باید بر اساس قانون کار پرداخت شود [یک میلیون و ۱۱۱ هزار تومان در ماه]. ... در کرج، معلمان آزادی را می‌شناسم که ماهانه ۲۵۰ یا سیصد هزار تومان حقوق می‌گیرند." خانم پاک‌ضمیر، با اشاره به قانون "کار یکسان - مزد یکسان" سازمان جهانی کار (ILO)، گفت: "چطور است که ما از نظر محدودیت‌ها و قوانین زیر نظر آموزش‌وپرورش هستیم ولی از نظر حقوق و بیمه، این وزارتخانه ما را نیروی خودش نمی‌داند." به‌رغم افزایش سرسام‌آور قیمت ارزهای خارجی و گرانی، جمالی، عضو کانون صنفی معلمان استان البرز، به ایلنا، ۱۹ اردیبهشت‌ماه، گفت: "میانگین افزایش حقوق معلمان رسمی بیشتر از ۱۲ درصد" نبوده است.

مبارزهٔ فرهنگیان و خواست‌های به‌حق آنان به‌ویژه توقف خصوصی‌سازی آموزش، افزایش عادلانه دستمزد و امنیت شغلی و نیز انعقاد قراردادهای دائم، موردحمایت همهٔ نیروهای ترقی‌خواه و میهن‌پرست کشور است. این مبارزه، بخشی جدایی‌ناپذیر از پیکار جنبش سندیکایی زحمتکشان با برنامه‌های رژیم و در راه تحقق حقوق و منافع صنفی و سیاسی آنان است.

ادامهٔ از مبارزهٔ زحمتکشان دیگر کشورها...

تصمیم گرفت که دلیل این شکست را توضیح دهد. هم‌زمان با این تصمیم درخواست شد که هیئت حل اختلاف هرچه سریع‌تر به این موضوع رسیدگی کند. قطع مذاکرات قرارداد دسته‌جمعی برای هشتصد هزار کارگر شاغل در این صنعت بزرگ درواقع روز سه‌شنبه هفته گذشته، ۲۸ فروردین‌ماه ۱۳۹۷، اتفاق افتاد.

خواست اتحادیه افزایش شش‌درصدی دستمزدها برای تمام سال و همچنین برابری دستمزد و حقوق در شرق و غرب آلمان است. تفاوت دستمزد در شرق آلمان تا مرز کمتر از هفت درصد نیز محاسبه شده است. به‌همین منظور، خواست اتحادیه از بین بردن این تبعیض تا سال دوهزاروبیست‌ودو است. برخلاف اتحادیه کارگران صنعت ساخت‌وساز، کارفرمایان حاضر نیستند یا به‌عبارتی به ارائه یک پیشنهاد مناسب برای حل اختلاف تمایلی ندارند، درحالی‌که این صنعت از رشد اقتصادی مناسبی در این چند سال اخیر برخوردار بوده است.

هردو طرف مذاکرات به‌رعایت توافق‌نامه‌های تصویب‌شده از طرف هیئت داوران یا هیئت حل اختلاف موظف‌اند و به‌نظر می‌رسد که هیئت حل اختلاف هفت روز پس از درخواست قضاوت و داوری باید تشکیل جلسه دهد.

[برگرفته از سایت: حزب کمونیست آلمان، عصر ما، بخش اقتصاد و جامعه، ۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷]

مبارزهٔ کارگران معدن آفریقای جنوبی در راه تأمین امنیت شغلی: اخراج ۱۷۲۲ کارگر معدن تا پایان ماه مه ۲۰۱۸ از معدن طلای اِواندر (آفریقای جنوبی)

سندیکای سراسری کارگران معدن ("ان یو ام") از تصمیم شرکت معدن طلای اواندر مبنی بر اخراج ۱۷۲۲ کارگر از ۱۸۱۲ نفر به‌بهانهٔ انجام تعمیرات و نگهداری، نارضایتی شدید خود را اعلام می‌دارد. کارکنانی که ابلاغیه اخراج دریافت کرده‌اند در آن آمده است که از تاریخ ۲۵ آوریل ۲۰۱۸ به کار آنان خاتمه داده شده و روز آخر کاری آنان ۲۶ ماه مه است. اقدام به اخراج، به‌رغم درخواست ان یو ام از سازمان منابع طبیعی ("دی ام ار") مبنی بر دخالت در این تصمیم مسئولان معدن و به‌منظور حفظ شغل کارگران و پیشگیری از تأثیرات آن بر میزان بیکاری، انجام پذیرفت.

شرکت معدن طلای اواندر هم‌اکنون درحال ساخت تأسیساتی برای تصفیه پسماندها است که حتی از این کار هم سود می‌برد و این درحالی‌است که کارگران اخراجی با فقر مواجه‌اند.

بودجهٔ این تأسیسات درحال‌ساخت، ۱٫۷ میلیارد راند (واحد پول افریقای جنوبی) بوده است. اگر شرکت معدن طلا این مبلغ را برای بازسازی تأسیسات فرسوده به‌کار می‌برد از تعطیلی معدن می‌توانست جلوگیری کند. به‌هرحال، سازمان منابع طبیعی پان‌آفریقایی، بنا به‌ماهیت و ویژگی سرمایه‌داری‌اش، به‌دنبال کسب حداکثر سود با تحمیل هزینه‌ها بر دوش کارگران است، اعتبارات را به عملیات بیرونی معدن هدایت کرده و عملیات زیرزمینی را رها کرده است. این اقدام بدین منجر خواهد شد که کارها را به پیمانکاران واگذار کرده و پیمانکاران هم کار را با کارگران ارزان به‌نجام خواهند رساند. سندیکای سراسری کارگران معدن معتقد است که در این معدن به‌اندازهٔ ۴۰ سال تولید سنگ معدن وجود دارد. درنتیجه، توقف چنین استخراج و تولیدی از سوی شرکت پان‌آفریقایی که می‌تواند کار و اشتغال ایجاد کند، آن هم در مملکتی که درگیر بیکاری، فقر و نابرابری اجتماعی است، امریست غیرمنطقی.

دردناک این است که، سازمان منابع طبیعی پان‌آفریقایی به کارکنانش اخطار کرده که خانه‌های سازمانی این شرکت را تا تاریخ ۳۰ ماه مه ۲۰۱۸ باید تخلیه کنند، زیرا شرکت قصد دارد این خانه‌ها را بفروشد. دردناک‌تر اینکه ۸۰ درصد کارکنان این شرکت از نقاط مختلف کشور و نیز از کشورهای همسایه به اینجا آمده‌اند و با خانواده‌های‌شان در خانه‌های شرکت ساکن شده‌اند و فرزندان‌شان در مدارس این محل درحال تحصیل‌اند. پرسش اساسی این است که، وقتی این شرکت کارگرانش را اخراج می‌کند چه اتفاقی برای دانش آموزان خواهد افتاد؟ و این خود اثبات می‌کند که صاحبان این شرکت در مورد کارگرانی که برای سال‌ها برایشان سود تولید کرده‌اند هیچ مسئولیتی احساس نمی‌کنند.

موضع‌گیری قاطع ما در این‌باره چنین است: چنانچه سازمان منابع طبیعی پان‌آفریقایی توان ادامه دادن به کار تولید معدن طلای اواندر را ندارد، به‌جای بستن معدن و اخراج ۱۷۲۲ کارگر، بهتر است مجوز استخراج خود را به دولت واگذار کند.

اتحادیه سراسری کارگران معدن آفریقای جنوبی ("ان یو ام")، ۳ ماه مه ۲۰۱۸ / ۱۳ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷

[برگرفته و ترجمه از سایت: http://www.cosatu.org.za]

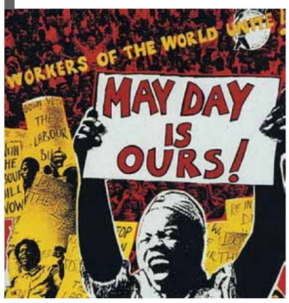

جنبش جهانی سندیکایی زحمتکشان در کنار مردم فلسطین استوار ایستاده است! به قتل‌عام پایان بدهید!

فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری، قتل‌عام ده‌ها فلسطینی در نوار غزه به‌وسیلهٔ نیروهای اسرائیلی را قاطعانه محکوم می‌کند و پایان دادن فوری به آن را خواستار است. هم‌اکنون، ده‌ها فلسطینی غیرمسلح به‌دلیل اینکه به انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به اورشلیم اعتراض می‌کنند و خواستار بازگشت به سرزمینی‌اند که در ۱۵ ماه مه ۱۹۴۸ [۲۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۷] از آنان گرفته شده است، توسط نیروهای اسرائیلی کشته، مصدوم و تهدید می‌شوند. تا لحظه کنونی حداقل ۴۱ فلسطینی کشته شده‌اند و بیش از ۲۰۰۰ نفر در نوار غزه مصدوم شده‌اند که کشته‌شدگان فلسطینی از آغاز اعتراض‌های فلسطینی‌ها در ۱۰ اردیبهشت‌ماه را به ۱۰۰ نفر افزایش داده است. ارتش اسرائیل با بی‌رحمی تمام به کشتار برادران و خواهران ما با سلاح گرم ادامه می‌دهد. فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری، به‌نمایندگی از طرف ۹۲ میلیون کارگر از نقاط مختلف جهان، هم‌صدا با مردم معترض فلسطین می‌خواهد و می‌گوید:

به تجاوز حکومت سفاک اسرائیل پایان دهید!
به انتقال سفارت آمریکا به اورشلیم پایان دهید!
اورشلیم پایتخت همیشگی فلسطین است!
به قتل‌عام پایان دهید! کشور مستقل فلسطین را به‌رسمیت بشناسید!

[دبیرخانهٔ فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری - ۲۴ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷]

خواستِ کارگران صنعت ساختمان‌سازی آلمان: افزایش دستمزدها و رفع تبعیض مزدی - شکست مذاکرات بر سر افزایش دستمزدها در صنعت ساختمان‌سازی آلمان

پس از شکست مذاکرات بین نمایندگان کارگران و کارفرمایان در صنعت ساخت‌وساز، هیئت مرکزی اتحادیه کارگران ساختمانی، کشاورزی و محیط زیست

ادامه در صفحه ۳

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی:
1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

آدرس های اینترنت و "ای-میل"
http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمهٔ کارگری نامهٔ مردم - شمارهٔ ۷
Nameh Mardom –Workers Supplement No. 7

28 May 2018

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما
004930
23629727

حزب تودهٔ ایران
Tudeh Party of Iran